

مبدع نظریه ژئوپلتیک آلمان نازی کیست؟

۱۶ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۸

کارل هاوسهوفر (۱۸۶۹-۱۹۴۶) مبدع نظریه ژئوپلتیک آلمان نازی از نظریه "قلب زمین" مکیندر بهره زیادی برد. این ایده که مرکز اصلی قدرت در جهان از مرزهای شرقی آلمان آغاز و تا سیبری ادامه می یابد، نیروی روانی و تبلیغی زیادی در استراتژیست ها و فرماندهان نظامی هیتلر ایجاد می کرد.

هاوسهوفر ابداع گر مفهوم "فضای حیاتی" به معنای سرزمین و منابع طبیعی کافی برای یک کشور بود که ممکن است در مرزهای قراردادی فعلی آن وجود نداشته باشد. در همین زمینه هاوسهوفر در نظریه ژئوپلتیک خود از "حق" کشورهای دارای استعداد درونی نسبت به تحصیل مرزهای طبیعی خود در مقابل مرزهای قراردادی موجود دفاع می کند که عملاً همان مشروعیت بخشی به تجاوزگری نازی ها در سال های بعد است.

هاوسهوفر همچنین مبدع مفهوم "خودکفایی" به معنای لزوم خود بسندگی اقتصاد ملی قدرت های بزرگ و بی نیازی آنها از تجارت جهانی است. نظریه نازیستی "خودکفایی" در مقابل نظریه صلح طلبانه لیبرال ها قرار می گرفت که معتقد بودند هرچه وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر از طریق تجارت بیشتر باشد، حفظ صلح آسان تر و امکان جنگ کمتر می گردد.

اما چرا نظریه "قلب زمین" مکیندر که در سال های آغاز قرن بیستم مطرح شده بود، در جریان دو جنگ جهانی به حقیقت نپیوست و این قدرت های دریایی غیر اوراسیایی بودند که بر نظم جهانی حاکم شدند؟ پاسخ در آن جا است که شرط تحقق نظریه مکیندر تسلط یک قدرت بزرگ ابتدا بر اروپای شرقی و سپس بر اوراسیا بود. بطور مثال اگر آلمان نازی بر منابع طبیعی عظیم روسیه و نیز راه های آبی و منابع نفتی خاورمیانه مسلط می شد، می توانست قدرت مسلط کره خاکی گردد اما نکته آن جا بود که در عمل متحد کردن اوراسیا زیر پرچم یک قدرت بسیار دشوار بود. در مرحله اول آلمان می بایست بر سر قلب زمین با قدرتی دیگر یعنی روسیه بجنگد که در هر دو جنگ جهانی از سوی قدرت های دریایی آتلانتیک حمایت می شد.

در منطق ژئوپولتیک روابط کشورهایی که مرز زمینی دارند بر خلاف کشورهای دارای مرز آبی به طور سنتی بیشتر بر پایه جنگ بوده است تا تجارت و منطقه اوراسیا از لحاظ تراکم جمعیت ها، اقوام و فرهنگ ها کثیر تر و گونه گون تر از آن بود که تحت

رهبری یک قدرت متحد گردد. در واقع سرنوشت اوراسیا آن است که متفرق بماند و کشور های قدرتمند آن خطر یکدیگر را بزرگتر از خطر قدرت های آتلانتیک بدانند.

اما در این میان یک نکته مهم را که معمولاً از دید نظریه پردازان رئالیست روابط بین الملل مغفول می ماند نباید از یاد برد. آلمان نازی گرچه در نگاه اول در بهره گیری از عقلانیت ابزاری و علم تجربی عصر جدید بسیار موفق می نمود، اما در تحلیل نهایی به سبب ایدئولوژی پیشامدرن و ضد روشنگری خود، قادر نبود از منابعش بهترین بهره برداری را صورت دهد. آلمان نازی دانشمندان یهودی را فراری داد، آنها به آمریکا رفتند و بمب اتم ساختند. سلاحی که حتی اگر هیتلر بر شوروی غلبه کرده بود، ارتش او را به سرعت نابود می کرد و یا نمونه ای دیگر: جنگ دوم جهانی مسابقه نفس گیر تولید صنعتی نظامی بود و همه کشور های درگیر با تمام توان از نیروی کار زنان در تولید تسلیحات بهره می بردند، اما آلمان نازی به سبب نگرش سنتی نازیها در مورد لزوم حفظ حریم خانواده از این نیروی عظیم استراتژیک محروم ماند. عقب افتادگی چشمگیر صنایع آلمان از صنایع شوروی در سه سال آخر جنگ به هیچ عنوان متناسب با منابع و ظرفیت های دو کشور نبود.

منبع: سایت پارسینه

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۹۸۵/مبدء-نظریه-آلمان-ژئوپلتیک-نظریه-مبدء>